

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

فرناز سربندی^۱، ابراهیم حاجیانی^۲، سید رضا صالحی امیری^۳، میثم موسائی^۴

تحلیل محتوای خط‌مشی‌های اقتصاد سینما در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی و ارزیابی اولویت‌ها و نتایج عملکرد آن‌ها

چکیده

هدف از این مقاله تحلیل و بررسی ملاحظات اقتصادی در حوزه سینما در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و توصیف میزان توجه خط‌مشی‌گذاران به مقوله‌های مرتبط با اقتصاد فرهنگ در این حوزه با توجه به اولویت‌ها و بخشی از عملکردها است. روش این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده کمی و کیفی و از نظر نحوه اجرا تحلیل محتوا و داده‌های ثانویه است. داده‌ها شامل اسناد، قوانین و آیین‌نامه‌ها، برنامه‌های اصلی دولت‌ها و وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز مصاحبه با صاحب‌نظران بوده است. برای نمونه‌گیری اسناد و قوانین مکتوب از روش غیراحتمالی کل مجموعه و در مصاحبه با صاحب‌نظران از روش گلوله‌برفی استفاده شده است. در نهایت نیز نمونه‌های نهایی تحلیل محتوا شده و با توجه به داده‌های ثانویه مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد: در دوره‌های مختلف با تغییر در دولت‌ها و حتی وزرای یک دولت، در سیاست‌ها و اولویت‌های اقتصاد سینما تغییراتی ایجاد شده است. البته در تمام دوره‌ها به جز دولت تدبیر و امید، نظارت و مشارکت دولتی از سه اولویت اول مسئولان سینمایی محسوب می‌شود. اهداف و اولویت‌هایی چون افزایش سرانه سالن‌های سینما که در دستور دولت‌ها بوده است، با وجود افزایش نسبی به نتیجه مطلوب و استاندارد نرسیده است. تأکید بر تولید آثار سینمایی ایرانی و حذف تدریجی اکران فیلم‌های سینمایی خارجی از سیاست‌هایی بوده است (اگرچه در برخی دولت‌ها به صورت نانوشتی) که با موفقیت دنبال شده است. در مقابل خط‌مشی‌هایی چون تسهیل اعطای مجوز تولید و اکران و سازوکارهایی مانند شورای عالی سینما در گذر به دوره‌های بعدی مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: خط‌مشی‌گذاری، اقتصاد فرهنگ، اقتصاد سینما، سیاست‌گذاری فرهنگی و صنایع فرهنگی

^۱ دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

E-mail: fsarbandi81@gmail.com

^۲ دانشیار و عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

E-mail: ebhajian@gmail.com

^۳ دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

E-mail: dr.salehiamiri@gmail.com

^۴ استاد تمام دانشگاه تهران

E-mail: mousaei@ut.ac.ir

مقدمه

خط‌مشی‌گذاری^۱ یا سیاست‌گذاری عمومی مظهر عقلانیت و انتخاب تدبیر برای اصلاح امور و توسعه و رفاه جامعه است (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). سیاست فرهنگی از نظر تفسیر عملی، طی چند دهه گذشته دستخوش نوعی تغییر جهت شده است. در گذشته سیاست فرهنگی بسیاری از کشورها در تمام سطوح بر هنرهای خلاق متمرکز بود. در سال‌های اخیر ظهور اقتصاد خلاق و رشد صنایع فرهنگی، تأکید و تمرکز این سیاست را به سمت بخش بالقوه اقتصادی فرهنگ و هنر تغییر داده است (تراسبی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹). بنابراین ارتقای کارایی اقتصادی یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاری دولت‌هاست که باید اقتصاد بازار آزاد را در عصر حاضر مدیریت کند (تراسبی، ۱۳۹۳: ۷۷). اقتصاد فرهنگ^۲ ناظر بر شناخت مناسبات و تعاملات بین حوزه‌های تولید و آفرینش، مصرف و بازار بوده و با کشف روابط بین اقتصاد و فرهنگ، راه را برای رونق و شکوفایی هموار می‌سازد (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳: ۷۸). به باور صاحب‌نظران، در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی باید بهره‌مندی اقتصادی از فرهنگ به‌طور جدی در نظر گرفته شود (بخشی و کاینک‌گام، ۲۰۱۶: ۷).

یکی از حوزه‌های مطرح و بسیار بااهمیت در اقتصاد فرهنگ، صنایع فرهنگی است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته در جهت رونق و شکوفایی اقتصادی بیشتر قرار گرفته است. صنایع فرهنگی گستره وسیعی را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها سینما است و اهمیت بسیاری هم از جنبه فرهنگی و اجتماعی و هم از لحاظ اقتصادی می‌تواند داشته باشد. در دنیای امروز، سینما افزون‌براین که از جایگاه خاصی در دنیای هنر برخوردار است، صنعتی پیشرو و قدرتمند را به‌وجود آورده است که آثار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیاری را به‌دنبال داشته است. بررسی وضعیت صنعت سینمای ایران بسیار حایز اهمیت است، چراکه بازدهی قابل توجه این حوزه برای سرمایه‌گذاران، آن را به صنعتی درآمدا در جهان تبدیل کرده است. با توجه به شرایط کنونی کشور به‌لحاظ اقتصادی و در پیش گرفتن سیاست اقتصاد مقاومتی و اقتصاد بدون نفت از سوی مسئولان، به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین منبع برای توسعه و شکوفایی اقتصادی در حال حاضر، فرهنگ و بهره‌گیری از اقتصاد فرهنگ باشد. کشورهای توسعه‌یافته اهتمام بسیاری بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی کشور خود در جهت توسعه داشته‌اند. بنابراین یکی از راه‌های دستیابی به توسعه، اتخاذ و اجرای خط‌مشی‌گذاری‌های صحیح و بهنگام در این راستاست. حال برای رسیدن به این مقصود در گام نخست باید بررسی کرد که خط‌مشی‌گذاری‌های انجام‌شده در سال‌های گذشته - پس از انقلاب اسلامی - در حوزه اقتصاد فرهنگ و به‌طور خاص، سینما که می‌تواند در این بخش بسیار مهم و تأثیرگذار باشد، چگونه بوده است و تا چه میزان ما را در دستیابی به این هدف یاری رسانده است. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی دوره‌های مختلفی را از نظر سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری در عرصه فرهنگ شاهد بوده‌ایم. بنابراین در این مقاله سعی شده است خط‌مشی‌های معطوف به اقتصاد فرهنگ دوره‌های مختلف (دولت‌ها و به‌تبع آن وزیران و مسئولان مرتبط) در حوزه سینما، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بنابراین سؤال‌موردنظر در این مقاله عبارت است از: خط‌مشی‌های اقتصادی در حوزه سینما در دولت‌های پس از انقلاب کدامند و با چه اهداف و اولویت‌هایی انتخاب شده‌اند؟

۱. مرور پیشینه پژوهش

در این زمینه پژوهش‌هایی در خارج و داخل کشور انجام شده است که در ادامه در دو بخش داخلی و خارجی به برخی از آن‌ها اشاره شده است. لازم‌به‌ذکر است که در بخش داخلی به پژوهش‌های بعد از سال ۱۳۹۰ و در بخش خارجی به پژوهش‌های پس از سال ۲۰۱۲ پرداخته شده است.

۱-۱. پژوهش‌های داخلی

- لنا عبدالخانی و محمد نصرآبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی نقش زنان در سینما (سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سینمای قبل و پس از انقلاب اسلامی)» درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که با توجه به تضاد در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی حضور زنان در سینمای این دو دوره دارای چه تفاوت‌هایی در مضامین و محتوا بوده است. نتیجه کلی این پژوهش نشان می‌دهد که تغییر در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سینمای ایران باعث شکل‌گیری گونه متفاوتی از بازنمایی زن در فیلم‌های پس از انقلاب اسلامی شده است.

- عبدالرحیم رحیمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «برآورد تابع تقاضای سینما و تحلیل عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی: شهر تهران» از روش تحقیق موردی استفاده کرده‌اند. در این پژوهش طبق مبانی نظری تئوری تقاضا و الگوهای اقتصادسنجی، تکنیک حداقل مربعات معمولی (OLS) به کار گرفته شده و براساس داده‌های سری زمانی (۸۹-۱۳۶۴) تابع تقاضا برای رفتن به سینما در تهران استخراج شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد میزان تقاضا برای رفتن به سینما با قیمت بلیت و کالای مکمل سینما ارتباط معکوس ولی با درآمد و قیمت کالای جانشین ارتباط مستقیم دارد.

- تقی آزاد ارمکی و نوح منوری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه» به این موضوع بااهمیت پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی ایران واجد ویژگی‌های مثبتیاز جمله ساخت ارزش‌ها و مفاهیم والا، مقابله با فرهنگ مهاجم جهانی، ممانعت از سوداگری در فرهنگ و توجه به زیرساخت‌های فرهنگ است. مشکلات و ویژگی‌های منفی سیاست‌های فرهنگی ایران براساس این پژوهش عبارت است از: وسعت مفهوم فرهنگ، کلی بودن، ابهام، تناقض و عدم اولویت‌بندی و تفکیک مناسب.

- اعظم راورداد و امیرحسین تمنایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه سیاست‌های فرهنگی - سینمایی ایران با فیلم‌های معرفی شده به‌عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار» به این نتیجه دست یافته‌اند که اگرچه براساس سیاست‌گذاری‌های مقطعی هر یک از دولت‌های روی کارآمده در دوره‌های مختلف، انتظار می‌رود فیلم‌های انتخاب‌شده از محتوایی خاص برخوردار باشند، اهمیت کلی فرم منجر به معرفی فیلم‌هایی شده است که در عمل از نظر محتوایی هماهنگی خاصی با سیاست‌های داخلی معاصر خود نداشته‌اند. بنابراین تأثیر سیاست‌های فرهنگی بر سینمای بیشتر از منظر محتوا قابل توجه است و از نظر فرم سینما تا حد زیادی از قید سیاست‌های فرهنگی آزاد است.

- نحفی سیاه‌رودی و علوی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در رویگردانی از سینما» با تحلیلی بر خوشه‌بندی‌های مختلف مخاطبان مطالعه‌ای را در شهر رشت در میان ۴۷۰ نمونه انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که دلایل رویگردانی مخاطبان از سینما به ۷ عامل تقسیم می‌شوند و مخاطبان در سه خوشه قرار می‌گیرند. خوشه اول بیشتر ناشناخته بودن کارگردان و تهیه‌کننده و خوشه دوم قیمت بالای بلیت را علت رویگردانی خود می‌دانستند. خوشه سوم که بزرگ‌ترین خوشه از مخاطبان به‌شمار می‌آید، عواملی هم‌چون نامناسب بودن فضای فیزیکی سینما را در رویگردانی از سینما مؤثر می‌دانند.

- بزرگی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی ایران در شبکه پخش نمایش خانگی» با مروری اجمالی بر ادبیات علمی درباره فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی، چالش‌های پیش روی فرایند سیاست‌گذاری در حوزه پخش نمایش خانگی را مورد بررسی قرار داده است. خلأ نظری

و ادراک صحیح نداشتن از مسأله، خلأ منابع انسانی متعهد و متخصص، تشخیص دیر هنگام مسأله فرهنگی، ناسازگاری خط‌مشی با ارزش‌های جامعه سینمایی و توجه صرف به افزایش و توسعه کمی محصولات سینمای خانگی از جمله چالش‌های پیش رو است.

۱-۲. پژوهش‌های خارجی

- مک‌کنزی^۳ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فیلم: مطالعه ادبیات» به بررسی این موضوع پرداخته است. به عقیده وی صنعت فیلم مشکلات جذاب بی‌شماری را برای انتظار اقتصادی ایجاد کرده است. از مفهوم اولیه یک ایده در تولید، توزیع و در نهایت نمایش، ابعاد بسیاری برای پروژه فیلم وجود دارد و صنعت فیلم ارایه‌دهنده معماهای جدید و جذابی است که حل آن‌ها بسیار ارزشمند است.
- والز و مک‌کنزی^۴ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش در حال تغییر هالیوود در بازار جهانی فیلم» به تحلیل تجربی بازار جهانی فیلم و سینما برای ارایه شواهد آماری پرداخته‌اند. نویسندگان به بررسی داده‌های نزدیک به ۲۰۰۰ فیلم به نمایش درآمده از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ در کشورهای ایالات متحده، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، مکزیک، اسپانیا و انگلستان پرداخته‌اند که امروز روی هم رفته بیش از ۷۵ درصد از درآمد فروش بلیت سینما در سراسر دنیا را به خود اختصاص می‌دهند.
- اینسکارا^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزشیابی اقتصادی صنعت فیلم در مدیریت استراتژیک حوزه صنایع خلاق و نوآور؛ مورد مطالعه ترکیه» به تحلیل اقتصادی صنعت فیلم و سینما در ترکیه پرداخته‌اند. در واقع در این مقاله به جست‌وجو، گردآوری، ارزشیابی و تحلیل آثاری که در این زمینه وجود داشته است، پرداخته شده نتایج این پژوهش نشان داده است که صنعت فیلم که عامل مهم و مرتبط فرهنگ بر اساس استراتژی توسعه است، باید به‌عنوان عامل اقتصادی در نظر گرفته شود و در سیاست‌های توسعه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.
- هاییکلو و ستینکایا^۶ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات اقتصادی صنایع فرهنگی در چارچوب اقتصاد سرگرمی خلاق، مورد مطالعه ترکیه و هالیوود» به تأثیرگذاری سینما و فیلم در زمینه‌های مد، گردشگری و زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی آن پرداخته است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ترکیه با صادرات سریال، فیلم و سایر ابزارهای چندرسانه‌ای می‌تواند از صنعت فیلم به‌عنوان یک رابطی میان اقتصاد و فرهنگ بهره بگیرد.
- چیشهم، فرناندز بلانکو، راوید و والز^۷ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد فیلم سینمایی: وضعیت هنر» در پنج بخش به موضوع سینما پرداخته‌اند. در بخش اول شواهدی را مبنی بر درآمدهای مالی به‌عنوان جایگزینی برای توسعه برند ارایه شده است. بخش دوم به مطالعه فیلم‌های دنباله‌دار در زمینه توسعه برند و قراردادهای مرتبط پرداخته و نگاهی نیز به ارتباطات میان قدرت چانه‌زنی استودیوها و سطح سرمایه‌گذاری در تبلیغات دارد. بخش دیگر شواهدی را مبنی بر چگونگی اکران و نمایش فیلم‌ها ارایه کرده و مطرح کرده است که این استراتژی‌ها چگونه به جایگاه توزیع‌کنندگان به‌عنوان بازیگران عمده یا غیر عمده بازمی‌گردد.
- پارس^۸ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات حمایت از صنایع فرهنگی: مورد مطالعه سیاست‌های فیلم در کره» به بررسی سیاست‌های فیلم و سینما در کره به‌خصوص سیاست‌های حمایتی پرداخته است که باعث موفقیت صنعت فیلم در این کشور شده است نتایج نشان داد که سیاست‌های

حمایتی نقش معناداری نداشته است. در واقع سیاست‌های رقابتی و بازارمحور نقش مهم‌تری داشته‌اند. تنوع فرهنگی واقعی هنگامی به دست می‌آید که فرهنگ‌ها در رقابت با یکدیگر باشند. هم‌چنین عامل اصلی موفقیت کره در زمینه فیلم نقش تجارت در فضای تجارتي پویا بوده است. صنعت فیلم کره هنگامی که سیاست‌های سخت حمایت‌گرانه بر آن حاکم بود دچار رکود بود که در این زمان نقش بازار و فعالیت‌های تجاری آن با بخش‌های مختلفی چون تولیدکنندگان، واردکنندگان و تئاتر نادیده انگاشته شده بود.

- هیل و کاوشیما^۹ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «درآمد: خط‌مشی مربوط به فیلم در نظام اقتصادی فرهنگی جهانی شده» به محتوا و زمینه در حال تغییر اقتصادی و فناورانه پرداخته است که در آن فیلم‌سازی اتفاق می‌افتد، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها بیانگر این است که این تغییرات روی داده و پیامدهایی هم بر اهداف فرهنگی داشته است.

- آگنت سند (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «چگونه می‌توان تولید فیلم در مناطق را به دست گرفت؟» به بررسی عوامل موفقیت در تجارت منطقه‌ای فیلم در نروژ پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که موفقیت باید مرتبط با محیط و شهرت، پرورش استعداد و انتخاب ژانر، موقعیت جغرافیایی، ایجاد شبکه و سرمایه اجتماعی، تنوع ریسک‌پذیری، کارآفرینی، فرهنگ سازمانی و رهبری به‌عنوان عوامل اساسی، مدنظر شرکت‌ها قرار بگیرد.

باتوجه به پژوهش‌های انجام‌گرفته چه در خارج از کشور و چه در داخل کشور، روشن است که تاکنون پژوهشی درباره تحلیل محتوای خط‌مشی‌های اقتصاد فرهنگ به‌ویژه در حوزه سینما صورت نگرفته است. مسلم است که این پژوهش می‌تواند برای رونق و شکوفایی اقتصاد فرهنگ، به‌ویژه در عرصه سینما راهگشا باشد، چراکه اگر بخواهیم خط‌مشی و سیاست درستی را در این هدف در پیش بگیریم، در وهله نخست لازم است نسبت به وضعیت گذشته و حال شناخت داشته باشیم. بنابراین هدف کلی این مقاله تحلیل و بررسی خط‌مشی‌های اتخاذشده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی تاکنون در حوزه اقتصاد سینما براساس اولویت‌های در نظر گرفته شده در دوره‌های مختلف است.

۲. مبانی و چارچوب نظری

در علوم و رشته‌های مختلف، از جمله مدیریت، اصطلاحاتی مانند سیاست‌گذاری، خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی یا استراتژی گاه به‌جای یکدیگر به کار می‌روند که در واقع به لحاظ کاربرد و معنا متفاوت از یکدیگرند. هارولد لاسول خط‌مشی‌گذاری را یک برنامه طراحی شده از اهداف، ارزش‌ها و اقدامات می‌داند که دارای ویژگی‌های پایداری، آینده‌نگری، هدف‌داری، عمومیت‌یافتگی، گستردگی و نمایان‌گری است و دولت در کانون آن قرار می‌گیرد. الگوی تصمیمات یک سازمان را استراتژی مشخص می‌کند. پهنه استراتژی، سازمان و پهنه خط‌مشی‌گذاری، جامعه است، اما برنامه‌ریزی منتج از خط‌مشی‌گذاری و استراتژی است. برنامه‌ریزی به مجموعه‌ای از اقدامات طراحی شده به منظور گذر از وضع موجود و دستیابی به موقعیت مطلوب اطلاق می‌شود و ذیل خط‌مشی‌گذاری و راهبرد قرار می‌گیرد (حاجیان، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۳). در نتیجه باید گفت که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی^{۱۰} به معنای خط‌مشی‌گذاری برای فرهنگ است و نه نگاه فرهنگی به خط‌مشی‌گذاری عمومی و این معنا با سیاست فرهنگی^{۱۱} و سیاست فرهنگ^{۱۲} متفاوت است (آزادارمکی و منوری، ۱۳۸۹: ۴۹).

خط‌مشی طیف گسترده‌ای از اصول و بیانیه‌های سطح بالا و وسیع (از طریق فرایندهای سیاسی دولت اتخاذ شده) تا تصمیمات اداری ویژه (در بخش کوچکی از سازمان دولتی اتخاذ می‌شود) را شامل می‌شود.

درواقع خط‌مشی را می‌توان شامل این موارد دانست: بیانیه‌های اساسی دولت یا کل بیانیه‌های دولت مانند قانون اساسی، دستورات پیچیده و گسترده که در قالب استراتژی برای حل مسایل اجتماعی یا اقتصادی بیان می‌شوند، بررسی برنامه‌ها یا قوانین و بازنگری (تغییر و اصلاح) دستورات و دستورالعمل‌ها برای موضوعات رویه‌ای یا اداری و استانداردهای عملیاتی یا قوانین تجاری (دانش فرد، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، مطالعه خط‌مشی عمومی فقط از طریق بررسی اسناد رسمی تصمیم‌گیری‌های دولت که در قوانین، لوایح، مقررات و گزارش‌های رسمی قابل دسترس باشد، امکان‌پذیر نیست. خط‌مشی‌های عمومی و رای مباحث رسمی و تصمیم‌های اداری قرار دارند و این مدارک نمی‌توانند نشان‌دهنده علل اصلی انتخاب‌ها یا عدم انتخاب‌های دولت باشند (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۵: ۱۶). بنابراین خط‌مشی عمومی پدیده‌ای متشکلاز تصمیم‌های مختلف است که از سوی افراد و سازمان‌های مختلف حاضر در دولت اتخاذ می‌شود و این تصمیم‌ها متأثر از نظرات و دیدگاه‌های افراد دیگری است که در درون یا بیرون از دولت فعالیت می‌کنند (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۵: ۲۰).

۲-۱. اقتصاد فرهنگ

اقتصاد فرهنگ به‌عنوان حوزه مستقلی از مطالعه و پژوهش در آثار افرادی چون جان کنت گالبریت و لیونل رایبنز^۲ و بامول و بوون^{۱۴} برای نخستین بار به‌طور نظام‌مند در مورد هنر به کار گرفته (اینارسون، ۲۰۱۶: ۱۴). برداشت‌ها و تعاریف متعددی از اصطلاح اقتصاد فرهنگ وجود دارد. یکی از این تعاریف که ارتباط نزدیکی با مفهوم «صنایع فرهنگی» دارد، عبارت است از: اقتصاد فرهنگ تمام بخش‌های سرمایه‌داری مدرن را که تقاضای مصرف‌کنندگان را برای سرگرمی، تزیینات، آراستگی و نموده‌های اجتماعی و ... مربوط می‌شود، پاسخ می‌دهد و دارای ارزش نمادین^{۱۵} است (یونسکو، ۲۰۱۳: ۲۳). اقتصاد فرهنگ در حال حاضر برای کشورهای توسعه‌یافته بسیار اهمیت دارد. چنان‌که بر اساس «گزارش عصر فرهنگی؛ اولین نقشه جهانی صنایع فرهنگی و خلاق یونسکو» (۲۰۱۵) در سال ۲۰۱۳ صنایع فرهنگی و خلاق در سراسر دنیا درآمدی در حدود ۲/۲۵ میلیارد دلار آمریکا داشت و برای ۲۹ میلیون نفر شغل فراهم کرده است. یازده بخش صنایع فرهنگی و خلاق سنگ بنا و بنیاد منسجم، گسترده و جهانی اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد. این صنایع در سال ۲۰۱۳ درآمدی برابر با ۲/۲۵۰ میلیارد دلار (۳ درصد تولید ناخالص جهانی) و ۲۹/۵ میلیون شغل به ارمغان آورده است. از میان صنایع فرهنگی، تجارت فیلم به یک صنعت جهانی تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد که درآمدهای صنعت فیلم در سطح بین‌المللی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ دو برابر افزایش یافته است (والز و مک‌کنزی، ۲۰۱۲: ۱۹۸-۱۹۹).

کارکرد اقتصادی یک صنعت را می‌توان از راه‌های مختلفی ارزیابی کرد. اساسی‌ترین روش سنجش، اندازه‌گیری میزان کمکی است که صنعت مربوطه به شاخص‌های کلان اقتصادی می‌کند: ارزش تولید ناخالص، ارزش افزوده، ترکیب سرمایه ثابت، اشتغال، صادرات و غیره (تراسی، ۱۳۹۳: ۱۶۸). برای اقتصاد سینما، ذیل اقتصاد فرهنگ، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی برشمرده شده است (برای مثال رجوع شود به: یونسکو، ۲۰۱۳-۲۰۰۹، آلایره، ۲۰۰۹-۲۰۰۵، کامارا، ۲۰۱۷). از جمله شاخص‌های اقتصاد سینما، می‌توان به میزان تولید فیلم، سرانه سالن‌های سینمایی و صندلی، میزان اشتغال‌زایی، میزان درآمد و گردش مالی حاصل از فروش بلیت، ارتباطات بین‌المللی و شرکت در جشنواره‌های سینمایی اشاره کرد (هیل و کاواشیما، ۲۰۱۶).

۲-۲. خط‌مشی‌گذاری در حوزه اقتصاد سینما

سیاست فرهنگی در دهه‌های اخیر از تمرکز مستقیم بر خود هنر، به سمت یک سیاست گسترده‌تر تغییر

کرده است. در این فرایند سیاست هنری هم به منزله یک بخش خاص از سیاست فرهنگی متحول شده است (تراسبی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). وظیفه سیاست‌گذاران در این زمینه را می‌توان به منزله یافتن تعادل مطلوب میان تولید ارزش اقتصادی و ارزش فرهنگی حاصل از هنر و سپس اتخاذ تصمیمات مربوط به تأمین بودجه متناسب با آن تعبیر کرد (تراسبی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). متولیان سیاست‌گذاری، نهادها و سازمان‌هایی هستند که خط‌مشی کلان و خرد را در سطح ملی تعیین می‌کنند. در کشور ما سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری به‌طور کلی در حوزه سینما برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌طور خاص، سازمان سینمایی این وزارتخانه است. البته شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران نیز از جمله متولیان سیاست‌گذاری این حوزه به‌شمار می‌آیند.

با توجه به مباحث بیان‌شده، در این مقاله برای تحلیل و بررسی خط‌مشی‌گذاری‌های حوزه اقتصاد سینما در سال‌های پس از انقلاب، اسناد و مصوبات مرتبط و نیز نتایج مصاحبه با صاحب‌نظران تحلیل محتوا می‌شود. در تحلیل محتوا شاخص‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد سینما با توجه به منابع اشاره شده در این موضوع، مدنظر قرار گرفتند.

۳. روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده کیفی و با روش تحلیل محتوا^{۱۷} است. جامعه آماری شامل تمام مصوبات، آیین‌نامه‌ها و قوانین دولت، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۶ در موضوع اقتصاد سینما بوده است (جدول شماره ۱). از آنجایی که بسیاری از خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها نانوشته هستند، برای بررسی آن‌ها به روش گلوله‌برفی با پنج تن از صاحب‌نظران و کارشناسان مرتبط و در دسترس مصاحبه انجام شد. در جدول زیر خط‌مشی‌های مکتوب مورد بررسی فهرست شده است.

جدول ۱. فهرست منابع خط‌مشی‌های مکتوب در حوزه سینما (سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۶)

| ردیف | عنوان خط‌مشی |
|------|---|
| ۱ | قانون‌های مصوب مجلس شورای اسلامی |
| ۲ | مصوبات هیأت وزیران |
| ۳ | آیین‌نامه‌های مصوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |
| ۴ | مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی |
| ۵ | برنامه‌های دولت‌ها |
| ۶ | برنامه‌های وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی |
| ۷ | برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی |

ابتدا داده‌های گردآوری شده بارها خوانده شد و از میان آن‌ها با روش غیراحتمالی کل مجموعه، براساس ملاک اقتصادی بودن و سینمایی بودن، نمونه‌گیری شد. سپس متون به دقت خوانده و براساس محتوا کدگذاری شد. پس از کدگذاری، کدها بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان به زیرمقوله‌ها و سپس مقوله‌ها تقسیم‌بندی شدند. مقوله‌ها با توجه به شاخص‌های اقتصاد سینما مستخرج از ادبیات نظری مرتبط

در نظر گرفته شدند. در واقع با روش تحلیل محتوا سعی شده است تا کم‌وکیف شاخص‌های یادشده در دوره‌های زمانی مشخص شوند. می‌توان گفت که میزان تمرکز و توجه به هر یک از مقوله‌ها (شاخص‌ها) اولویت‌های خط‌مشی‌گذاری و اهداف خط‌مشی‌گذاران را نشان می‌دهد. برای روایی و پایایی، دو بار در فاصله زمانی دو ماهه داده‌ها کدگذاری و مقوله‌بندی شدند. علاوه بر این از استدلال‌ها و شواهد دیگری نیز برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

مقوله‌های مورد توجه خط‌مشی‌گذاران در دوره‌های مختلف با توجه به مقوله‌های حاصل عبارت‌اند از: مشارکت و نظارت دولتی بر تولید، توزیع و محتوا، تولید آثار و محصولات سینمایی، دیپلماسی فرهنگی (روابط با سایر کشورها؛ شرکت در جشنواره‌ها و ...)، ایجاد اشتغال و معیشت هنرمندان، افزایش سرانه فضاها و سالن‌های سینمایی، گردشگری، آموزش، افزایش مصرف فرهنگی، توجه به اصناف و انجمن‌ها (سرمایه اجتماعی)، مالکیت معنوی آثار فرهنگی و سینمایی، حفاظت و نگهداری از آثار سینمایی، توسعه اقتصاد فرهنگ (اصلاح مقررات و ...)، صادرات کالاهای فرهنگی و سینمایی، توسعه کسب‌وکار فرهنگی (تجهیزات سینمایی)، سرمایه انسانی (استفاده از نیروی متخصص) و توسعه فرهنگی (گسترش فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی).

در تحلیل یافته‌ها با استفاده از داده‌های ثانویه و آمار و ارقام مرتبط به عملکرد دوره‌های مختلف و با توجه به اولویت‌های نخست هر دوره، تحلیلی ارایه شده است.

۴. یافته‌ها

همان‌طور که در بخش‌های پیش بیان شد، خط‌مشی‌های مورد نظر در این پژوهش، خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی است که از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۹۶ در حوزه اقتصاد و فرهنگ و به‌طور خاص در حوزه سینما اتخاذ شده است. دلیل انتخاب سال مبدأ (۱۳۶۱) آن است که از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تا این سال، به دلیل نوپا بودن انقلاب و روشن نبودن سیاست‌های فرهنگی، تکلیف سینما تا حدودی نامشخص بوده است، چنان‌که در این سال‌ها ساخت فیلم سینمایی و اکران فیلم ایرانی بسیار محدود بوده است.

در جدول زیر درصد مقوله‌های تعیین شده برای خط‌مشی‌ها در دوره‌های مختلف مورد بررسی ارایه شده است. در واقع می‌توان گفت که میزان مقوله‌ها در هر دوره اولویت سیاست‌گذاران و خط‌مشی‌گذاران را نشان می‌دهد. در این جدول اولویت‌های خط‌مشی‌گذاری در هر دولت و در دوره‌های وزارت مختلف مشخص شده است، چراکه با تغییر هر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولان سینمایی و سیاست‌گذاران تغییر کرده است. در جدول پیش رو هر دولت و به تبع آن هر دوره وزارت وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی تفکیک شده‌اند. در همین دوره‌ها سایر خط‌مشی‌ها (مرتبط با مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ...) نیز مدنظر قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. درصد مقوله‌های حاصل از تحلیل محتوا در هر دوره همورد بررسی (اعداد به درصد)

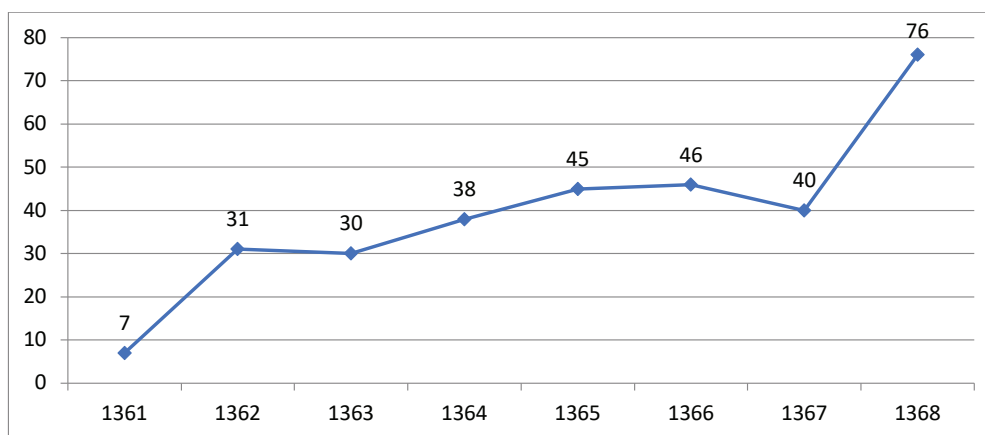
| دوره مقوله‌ها | دولت جنگ | | دولت سازندگی | | دولت اصلاحات | | دولت عدالت | | دولت اعتدال | |
|---|----------|-------|--------------|-------|--------------|-------|------------|-------|-------------|-------|
| | ۶۸-۶۱ | ۷۱-۶۹ | ۷۲-۷۱ | ۷۶-۷۲ | ۷۹-۷۶ | ۸۴-۷۹ | ۸۸-۸۴ | ۹۲-۸۸ | ۹۵-۹۲ | ۹۶-۹۵ |
| مشارکت و نظارت دولتی در تولید، عرضه و محتوا | ۲۳ | ۱۹ | ۱۰۰ | ۳۵ | ۱۶ | ۹/۳ | ۳۷/۵ | ۲۵ | ۱۴/۸ | ۱۰/۷ |
| تولید آثار سینمایی | ۲۳ | ۱۱ | - | ۷ | ۱۲ | ۷ | ۱۲/۵ | ۶/۲ | ۱۹ | ۱۴/۲ |
| شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی و مبادلات با سایر کشورها | ۲۳ | ۲۲ | - | ۲۱ | ۴ | - | - | ۶/۲ | ۶/۳ | ۱۰/۷ |
| اشتغال و معیشت هنرمندان و سینماگران | ۷/۶ | - | - | - | ۴ | ۱۱/۶ | ۶/۲ | ۱۵/۶ | ۲/۱ | ۷ |
| افزایش سرانه سالن‌های نمایش | ۷/۶ | ۱۹ | - | ۷ | ۱۶ | ۱۸/۶ | ۱۲/۵ | ۲۱/۸ | ۸/۵ | ۷ |
| مشارکت بخش خصوصی | ۱۵ | ۳/۸ | - | ۷ | ۴ | ۹/۳ | - | ۳/۱ | ۸/۵ | ۱۰/۷ |
| گردشگری | - | ۳/۸ | - | - | - | - | - | - | - | - |
| آموزش | - | ۳/۸ | - | ۲۱ | ۴ | ۴/۶ | ۶/۲ | ۳/۱ | ۶/۳ | ۳/۵ |
| افزایش مصرف فرهنگی جامعه | - | ۳/۸ | - | - | ۸ | ۱۱/۶ | ۶/۲ | ۳/۱ | - | - |
| توجه به اصناف و انجمن‌های غیردولتی | - | ۳/۸ | - | - | ۸ | ۴/۶ | - | ۳/۱ | ۱۴/۸ | ۳۵/۷ |
| مالکیت معنوی آثار | - | ۳/۸ | - | - | ۸ | ۹/۳ | - | - | ۴/۲ | ۳/۵ |
| حفظ و نگهداری آثار سینمایی | - | ۳/۸ | - | - | - | - | - | - | - | - |
| توسعه فعالیت‌های سینمایی | - | - | - | - | ۱۲ | ۴/۶ | - | ۶/۲ | ۲/۱ | ۷ |
| توسعه اقتصاد فرهنگ | - | - | - | - | ۴ | ۴/۶ | - | - | ۶/۳ | ۷ |
| صادرات آثار سینمایی | - | - | - | - | - | ۶/۹ | ۶/۲ | ۹/۳ | ۴/۲ | ۳/۵ |
| سرمایه انسانی (به‌کارگیری نیروی متخصص) | - | - | - | - | - | - | ۶/۲ | - | - | - |
| توسعه کسب‌وکار (تجهیزات سینمایی) | - | - | - | - | - | - | - | ۳/۱ | - | - |

با توجه به جدول بالا در ادامه به تفکیک هر دوره (دولت / وزیر) توضیحات مربوط آورده شده است:

- دوره نخست (۱۳۶۸ - ۱۳۶۱): همان‌طور که در جدول بالا آمده است، بیشترین تأکید و تمرکز این دوره بر مشارکت و نظارت دولتی در تولید، عرضه و محتوا (۲۳ درصد)، تولید آثار سینمایی (۲۳ درصد) و حضور در جشنواره‌های خارجی (۲۳ درصد) بوده است. توجه به اصناف و مشارکت بخش غیردولتی، اشتغال و معیشت هنرمندان و افزایش سرانه سالن‌های سینمایی کشور

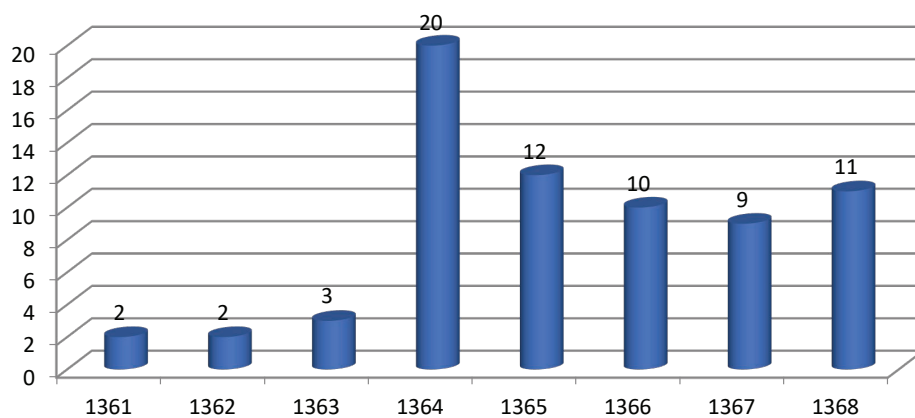
در رتبه‌های بعدی توجه خطمشی‌گذاران قرار گرفته‌اند. از سال ۱۳۶۱ مسئولان و خطمشی‌گذاران حوزه سینما در پی بازسازی و احیای سینمای ایران مطابق با ارزش‌های جامعه انقلابی و اسلامی بودند، بنابراین با رویکرد سینمای «هدایتی، نظارتی و حمایتی» تلاش داشتند بر تولید، توزیع و عرضه آثار سینمایی نظارت داشته باشند. در این دوره آقایان انوار، بهشتی و حیدریان (معاون سینمایی، مدیرعامل فارابی و مدیرکل نظارت و ارزشیابی) سه ضلع اصلی مدیریت سینمایی را تشکیل دادند و فرصت خوبی در دست داشتند که سیاست‌ها و خطمشی‌های کلانی را در این عرصه ترسیم کنند. با توجه به مصوبه‌ها و خطمشی‌ها می‌توان گفت تنها در این دوره است که شاهد مصوبه‌ای درخصوص سینمای کودک و نوجوان هستیم، بنابراین نسبت به دوره‌های پس‌از آن سینمای کودک و نوجوان از رونق بیشتری برخوردار بوده است. در میان مصوبه‌ها و خطمشی‌های این دوره می‌توان به توافق‌نامه فرهنگی ایران و الجزایر اشاره کرد که نشان‌دهنده تلاش مسئولان برای ایجاد روابط فرهنگی با سایر کشورها بوده است. از جمله اقدامات انجام‌شده در این دوره می‌توان به تأسیس خانه سینما اشاره کرد.

به‌طور کلی سه اولویت نخست این دوره را می‌توان چنین برشمرد: ۱. نظارت دولتی بر تولید، توزیع و عرضه آثار سینمایی (مشارکت دولتی)، ۲. تولید آثار و محصولات سینمایی ایرانی، به‌ویژه در حوزه فیلم‌های هنری و ۳. برگزاری جشنواره‌های سینمایی و حضور در عرصه بین‌المللی. عملکرد این دوره بنا بر آمار و اطلاعات موجود و بر اساس اولویت‌های دوم و سوم، در نمودارهای زیر نمایش داده شده است:



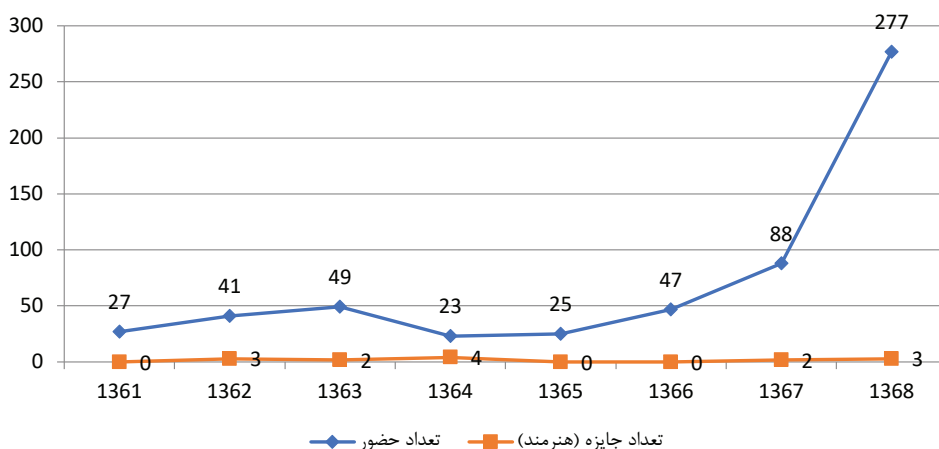
نمودار ۱. تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده (۱۳۶۱-۱۳۶۸)
منبع: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۲)

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، تولید فیلم سینمایی از هفت فیلم در سال ۱۳۶۱ به ۷۶ فیلم در سال ۱۳۶۸ رسیده است. علاوه بر این رویکرد این دوره نگاه به ورود به عرصه‌های بین‌المللی و جشنواره‌های خارجی بوده است. هم‌چنین نخستین جشنواره فیلم فجر در سالگرد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ برگزار شد. در نمودارهای زیر روند رو به رشد برگزاری جشنواره‌های داخلی (نمودار شماره ۲) و تعداد حضور و جایزه‌های دریافتی از جشنواره‌های بین‌المللی (نمودار شماره ۳) نشان داده شده است:



نمودار ۲. تعداد جشنواره‌های برگزار شده در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸
منبع: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۲)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، برگزاری ۲ جشنواره داخلی در سال ۱۳۶۱ به ۲۰ جشنواره در سال ۱۳۶۴ رسیده است و سپس روندی کاهشی داشته و در سال ۱۳۶۸ به ۱۱ جشنواره رسیده است. تعداد حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی هم از ۲۷ بار در سال ۱۳۶۱ به عدد ۲۷۷ در سال ۱۳۶۸ رسیده است. اما تعداد جوایز بین ۲ تا ۴ جایزه در نوسان بوده است.



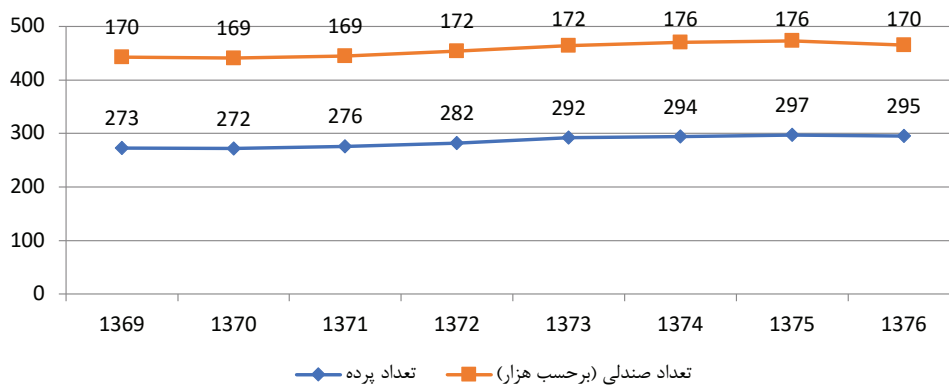
نمودار ۳. تعداد حضور و جایزه‌های دریافت شده در مجامع جهانی (۱۳۶۱-۱۳۶۸)
منبع: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۲)

- دوره دوم (۷۶-۱۳۶۸): در دولت سازندگی شاهد سه رویکرد نسبت به اقتصاد سینما بوده‌ایم. در رویکرد نخست که سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ را شامل می‌شود (براساس جدول شماره ۲)، بیشترین توجه و تمرکز خطمشی‌ها همانند دوره گذشته (سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸) به دلیل تداوم حضور مسئولان سینما از دوره قبل، بر حضور در جشنواره‌های خارجی و عرصه‌های بین‌المللی (۲۳ درصد)، مشارکت و نظارت دولتی بر تولید، عرضه و محتوای آثار سینمایی (۱۹ درصد)، افزایش سرانه سالن‌های سینمایی (۱۹ درصد) و تولید آثار سینمایی ایرانی (۱۱ درصد) بوده است. مشارکت بخش خصوصی، گردشگری، آموزش، افزایش مصرف فرهنگی، توجه به اصناف و انجمن‌ها، مالکیت معنوی و حفظ آثار سینمایی در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

در فاصله کوتاه سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲، عمده تمرکز و توجه بر مشارکت و نظارت دولتی بر تولید، عرضه و محتوای آثار سینمایی بوده و در سایر شاخص‌ها و مقوله‌ها موردی یافت نشده است. در سه سال پس از آن (۷۶-۱۳۷۲) تمرکز و توجه خط‌مشی‌گذاران بر مشارکت و نظارت دولتی در تولید و عرضه و محتوای آثار سینمایی (۳۵ درصد)، جشنواره‌های سینمایی خارجی و روابط بین‌المللی و آموزش (۲۱ درصد) بوده است. تولید آثار سینمایی، افزایش سرانه سالن‌های سینمایی و مشارکت بخش خصوصی هرکدام با ۷ درصد در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

در دوره دولت سازندگی موضوع توسعه مراکز فرهنگی و سینماها، به‌ویژه در مناطق محروم و شهرستان‌ها (با تأکید بر اولویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی) و روابط خارجی و همکاری‌های فرهنگی میان ایران و سایر کشورها افزایش یافت. این همکاری‌ها بیشتر در مبادله هنرمندان و آثار هنری و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و هنری بوده است. در این دوره پرداختن به مقوله‌های گردشگری، مالکیت معنوی، آموزش و حمایت از اصناف و انجمن‌های غیردولتی‌قابل توجه است. به‌طور کلیسه اولویت نخست خط‌مشی‌گذاری در دولت سازندگی (۷۶-۱۳۶۸) را می‌توان چنین برشمرد: ۱. نظارت و مشارکت دولت در تولید، توزیع و عرضه و نیز ورود آثار سینمایی و فرهنگی، ۲. مبادلات آثار سینمایی و فرهنگیبا سایر کشورهای دارای زمینه‌های فرهنگی مشترک و ۳. توسعه و افزایش سالن‌های سینمایی و مراکز فرهنگی در کشور.

همان‌طور که ذکر شد عمده توجه خط‌مشی‌گذاران و مسئولان هم‌چنان بر نظارت دولتی است، چنان‌که پس از سال ۱۳۷۲ نظارت دولت بر تولید و اعطای مجوز با تشکیل شورای تصویب فیلم‌نامه سخت‌گیرانه‌تر می‌شود. علاوه‌براین، توسعه فضاهای فرهنگی و سینمایی در اولویت خط‌مشی‌گذاری مسئولان قرار گرفت. در نمودار زیر تعداد سالن‌های سینمایی (پرده‌ها) و صندلی‌های سینمای کل کشور در دوره موردنظر نمایش داده شده است:



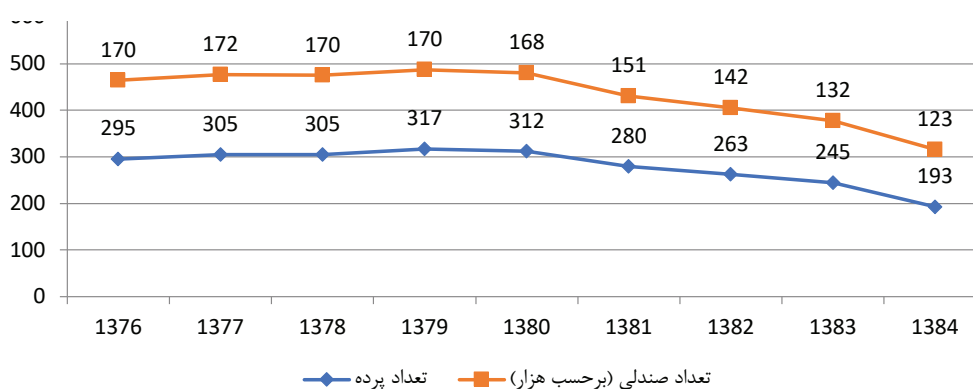
نمودار ۴. تعداد صندلی‌ها و پرده‌های سینماهای کشور (۱۳۷۶-۱۳۶۹)
منبع: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعداد سالن‌ها و صندلی‌های سینمایی در این سال‌ها در شیب ملایمی از افزایش بوده‌اند. از جمله اولویت‌های دیگر این دوره مبادلات فرهنگی با سایر کشورها، به‌ویژه کشورهای دارای فرهنگ و زبان مشترک است که در این ارتباط توافق‌نامه‌های فرهنگی مختلفی امضا می‌شود.

- دوره سوم (۸۴-۱۳۷۶): در دولت اصلاحات (بر اساس جدول شماره ۲)، در سال‌های ۷۹-۱۳۷۶ بیشترین خط‌مشی‌گذاری حوزه اقتصاد سینما در موضوع افزایش سرانه سالن‌های سینمایی و مشارکت

و نظارت دولتی در تولید، عرضه و محتوای آثار سینمایی (هرکدام ۱۶ درصد) و تولید آثار سینمایی داخلی و گسترش فعالیت‌های سینمایی در کشور (هرکدام ۱۲ درصد) بوده است. پس از آن افزایش مصرف فرهنگی، توجه به اصناف و انجمن‌های غیردولتی، توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ، آموزش، مشارکت بخش خصوصی و اشتغال و معیشت هنرمندان مدنظر بوده است. در دولت هشتم (۸۴-۱۳۸۰) افزایش سرانه سالن‌های سینما (حدود ۱۹ درصد)، اشتغال و معیشت هنرمندان و افزایش مصرف فرهنگی (هرکدام با حدود ۱۲ درصد) مدنظر مسئولان سینمای کشور بوده است. پس از آن مشارکت و نظارت دولتی، مشارکت بخش خصوصی، مالکیت معنوی آثار، صادرات آثار سینمایی، آموزش، حمایت از اصناف و انجمن‌های غیردولتی، توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ و گسترش فعالیت‌های سینمایی در نظر بوده است.

نکته قابل ذکر در این دوره توجه به مشارکت دولتی از بعد نظارت بر عرضه و تأکید بر عدم تولید و توزیع آثار و محصولات غیرمجاز بوده است که به منظور ارتقای سلیقه و ذائقه مصرف عمومی در استفاده از محصولات و آثار مجاز داخلی مورد نظر قرار داشت. در این دولت نیز مقوله‌های آموزش، صادرات، توجه به خصوصی‌سازی، برگزاری جشنواره‌ها و توسعه مراکز فرهنگی و سینمایی مورد نظر بود. با توجه به کمیت مقوله‌ها و شاخص‌ها، سه اولویت نخست خط‌مشی‌گذاری در دولت اصلاحات را می‌توان چنین برشمرد: ۱. توسعه مراکز فرهنگی و سینمایی و افزایش سرانه فضاهای سینمایی در کشور، ۲. نظارت و مشارکت دولتی بر تولید، توزیع و عرضه آثار سینمایی و ۳. افزایش مصرف فرهنگی و هدایت مصرف فرهنگی جامعه به سوی آثار و محصولات ارزشمند و مجاز. با توجه به این اولویت‌های سه‌گانه در نمودار زیر روند تغییرات در سرانه فضاهای سینمایی و صندلی‌های سینما نمایش داده شده است:

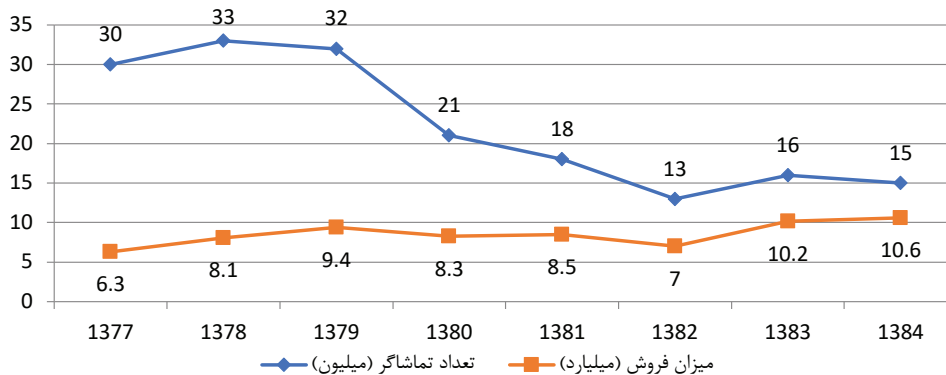


نمودار ۵. تعداد صندلی‌ها و پرده‌های سینما در کشور (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

منبع: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی، ۱۳۹۶

براساس نمودار بالا، سالن‌های نمایش و صندلی‌های سینما تا سال ۱۳۷۹ روند افزایشی با شیب ملایم داشته‌اند، اما از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴ رو به کاهش رفته‌اند. علاوه بر این، نظارت و مشارکت دولتی بر تولید و توزیع و عرضه آثار و محصولات سینمایی و در کنار آن توجه به افزایش مصرف فرهنگی خانوار مورد توجه قرار گرفته است. تأکید این دوره بر نظارت بر مصرف فرهنگی مردم و ترویج استفاده از محصولات و آثار دارای مجوز و ارزشمند قابل توجه است. این نگاه و رویکرد را می‌توان در نتیجه ورود فناوری‌های نوین نمایشی هم‌چون ویدیو و ماهواره دانست که دسترسی مردم را به آثار سینمایی غیرایرانی و بدون مجوز میسر ساخته بود. به نظر می‌رسد، رویکرد و نگاه مسئولان را نسبت به جوان‌گرایی

در انتخاب مضمون‌های سینمایی حاصل نگرانی درباره از دست دادن مخاطب سینما دانست. می‌توان گفت که خط‌مشی‌گذاران تلاش داشتند تا با اعطای آزادی عمل بیشتر به هنرمندان، فضای بازتری را در تولید و ساخت فیلم‌های سینمایی ایجاد کنند تا رونق اقتصادی سینما را به آن بازگردانند. در نمودار زیر تعداد تماشاگران سینما و میزان فروش بلیت و روند کاهشی آن تا سال ۱۳۸۲ و افزایش نه‌چندان چشمگیر آن تا سال ۱۳۸۴ در این دوره نمایش داده شده است:

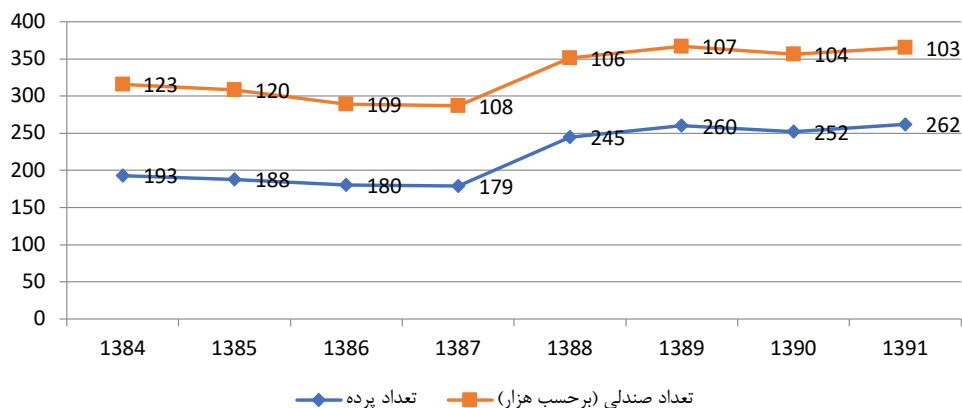


نمودار ۶. تعداد تماشاگران سینما و میزان فروش فیلم‌های سینمایی (۱۳۷۷-۱۳۸۴)
منبع: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی، ۱۳۹۶

- دوره چهارم (۹۲-۱۳۸۴): با توجه به جدول شماره ۲، می‌توان گفت که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ مشارکت و نظارت دولتی در تولید، عرضه و محتوای آثار سینمایی با بیش از ۳۷ درصد در بالاترین رتبه توجه خط‌مشی‌گذاران قرار داشته است. پس از آن تولید آثار سینمایی و افزایش سرانه سالن‌های سینما با بیش از ۱۲ درصد قرار دارد و حضور در جشنواره‌های خارجی و عرصه‌های بین‌المللی، اشتغال و معیشت هنرمندان، آموزش، افزایش مصرف فرهنگی، صادرات و به‌کارگیری نیروهای متخصص مدنظر قرار داشت. در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بازم مشارکت و نظارت دولتی در تولید، توزیع و محتوای آثار سینمایی با ۲۵ درصد و افزایش سرانه سالن‌های سینمایی با ۲۲ درصد در صدر توجه خط‌مشی‌گذاران قرار دارد. پس از این دو، اشتغال و معیشت هنرمندان، صادرات آثار سینمایی، توسعه فعالیت‌های سینمایی در کشور، مشارکت بخش خصوصی، آموزش، افزایش مصرف فرهنگی، حمایت از انجمن‌ها و اصناف غیردولتی و توسعه کسب‌وکار در زمینه تجهیزات سینمایی قرار دارد.

مهم‌ترین اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت نهم و دهم، دعوت از وزیران فرهنگ کشورهای آسیایی و برگزاری اجلاس بود و یکی از گام‌های مثبت این اجلاس در حوزه سینما، فروش فیلم‌های سینمایی و تبادل آن بین کشورها بود. اما در دولت دهم گسستگی بین صنوف سینمایی ایجاد شد و در نهایت به تعطیلی خانه سینما منتهی شد. در این دوره مشارکت دولتی در بخش تأمین تجهیزات سینمایی از خارج از کشور و ارایه تسهیلات برای تولید آن در داخل نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. مصرف فرهنگی، مشارکت بخش خصوصی، صادرات، آموزش، اشتغال هنرمندان (بیمه و رفاه) و توسعه مراکز و کالاهای فرهنگی و سینمایی نیز مدنظر بود. علاوه بر این در این دولت، معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشکده هنر و رسانه و مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات در یکدیگر ادغام و عنوان آن به «سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری کشور» تغییر می‌یابد. از دیگر اتفاقات این دوره می‌توان به دخالت سایر نهادها و مراجع در اکران فیلم‌های سینمایی اشاره کرد و برای اولین بار فیلم‌های سینمایی که بعد از مدتی رفع توقیف اکران شد، از پرده سینما پایین کشیده شد. در کل

سه اولویت خط‌مشی‌گذاری دولت عدالت‌عبارت‌اند از: ۱. مشارکت دولتی به معنای نظارت بر امور فرهنگی و سینمایی و تعیین و تخصیص اعتبارات و بودجه برای سینمای ملی کشور، ۲. توسعه فضاهای فرهنگی و سینمایی در کشور و افزایش سرانه سالن‌های سینمایی و ۳. معیشت و رفاه هنرمندان و سینماگران.



نمودار ۷. تعداد پرده‌ها و صندلی‌های سینماهای کشور (۱۳۸۴-۱۳۹۱)
منبع: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تا سال ۱۳۸۷ تعداد پرده‌ها و صندلی‌های سینمایی روند کاهشی داشته و پس از آن تا سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است که افزایش قابل توجهی نبوده است، چنان‌که در تعداد صندلی در سال ۱۳۹۱ حتی به تعداد سال ۱۳۸۴ نیز نرسیده است. علاوه بر این، موضوع معیشت و رفاه هنرمندان از جهت برقراری بیمه و بازنشستگی و ... در این دوره مورد توجه بوده است. در این اصناف و نهادهای غیردولتی سینمایی کمترین توجه و حمایت را از سوی مسئولان داشتند، چنان‌که خانه سینما تعطیل شد.

دوره پنجم (۹۶-۱۳۹۲): دوره اعتدال به دلیل زمان نگارش مقاله، دوره چهارساله نخست در نظر گرفته شد (دولت یازدهم). براساس جدول شماره ۲، در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ تولید آثار سینمایی با ۱۹ درصد، توجه و حمایت از اصناف و انجمن‌های غیردولتی و مشارکت و نظارت دولتی هریک با ۱۵ درصد در صدر توجه خط‌مشی‌گذاران قرار داشته است. افزایش سرانه سالن‌های سینمایی، مشارکت بخش خصوصی، آموزش، توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ، به‌کارگیری نیروهای متخصص، مالکیت معنوی آثار، صادرات، اشتغال و معیشت هنرمندان و توسعه فعالیت‌های هنری در کشور پس از آن قرار گرفته است. در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ بیشترین تأکید و توجه به اصناف و انجمن‌های غیردولتی با ۳۶ درصد، تولید آثار سینمایی با ۱۴ درصد و مشارکت و نظارت دولتی، شرکت در جشنواره‌ها و عرصه‌های بین‌المللی و مشارکت بخش خصوصی بوده است. پس از آن، اشتغال و معیشت هنرمندان، افزایش سرانه سالن‌های سینما، توسعه اقتصاد فرهنگ، توسعه فعالیت‌های فرهنگی در کشور، آموزش، مالکیت معنوی و صادرات قرار دارد.

هم‌چنین مقوله مشارکت بخش خصوصی با تکیه بر واگذاری اعطای مجوزها به بخش‌های غیردولتی و اصناف بسیار مورد تأکید قرار داشته است. مصرف فرهنگی و تولید محصولات فرهنگی نیز از مقوله‌های مورد نظر در خط‌مشی‌ها بوده است. از اقدامات صورت گرفته در این دوره می‌توان به تشکیل کارگروه بررسی و رفع توقیف در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای فیلم‌های سینمایی توقیف شده و بدون مجوز اکران اشاره کرد. به‌طور کلی سه اولویت نخست این دوره (۹۶-۱۳۹۲) عبارت‌اند از: ۱. تسهیل تولید آثار و محصولات فرهنگی و سینمایی با تسهیل در فضای قانونی و پرهیز از اعمال سلیقه در جهت ایجاد نشاط

اجتماعی در کشور، ۲. توجه به مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی به ویژه برای واگذاری برخی از امور اجرایی از جمله اعطای مجوزها به این بخش و ۳. توجه به اصناف، نهادها و مؤسسات غیردولتی فرهنگی و تقویت آن‌ها. همان‌طور که در جدول پیش رو مشاهده می‌شود تعداد پروانه‌های ساخت فیلم‌ها در این سال‌ها نسبت به دوره پیش افزایش یافته است:

جدول ۳. آمار تولید فیلم بلند سینمایی (۱۳۸۴-۱۳۹۴)

| سال | تعداد پروانه ساخت | تعداد پروانه مالکیت | تعداد پروانه ساخت کارگردانان فیلم اولی | تعداد فیلم‌های تولید شده کارگردانان فیلم اولی |
|------|-------------------|---------------------|--|---|
| ۱۳۸۴ | ۷۰ | ۶۰ | - | - |
| ۱۳۸۵ | ۹۲ | ۶۵ | - | - |
| ۱۳۸۶ | ۹۹ | ۷۴ | - | - |
| ۱۳۸۷ | ۷۸ | ۵۹ | ۱۴ | ۹ |
| ۱۳۸۸ | ۷۶ | ۷۷ | ۲۴ | ۱۰ |
| ۱۳۸۹ | ۸۶ | ۸۶ | ۳۵ | ۱۷ |
| ۱۳۹۰ | ۱۱۴ | ۹۰ | ۲۰ | ۶ |
| ۱۳۹۱ | ۸۴ | ۸۵ | ۲۴ | ۱۵ |
| ۱۳۹۲ | ۱۳۳ | ۷۲ | ۴۹ | ۳۴ |
| ۱۳۹۳ | ۱۸۵ | ۹۷ | ۴۵ | ۲۳ |
| ۱۳۹۴ | ۱۵۹ | ۷۸ | ۴۶ | ۲۱ |

منبع: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی (۱۳۹۵: ۴۵)

هدف دیگر مسئولان فرهنگی این دوره توجه به بخش خصوصی و غیردولتی و تقویت آن‌ها و سپردن برخی از امور اجرایی فرهنگی، از جمله موضوع ممیزی و اعطای مجوز آثار سینمایی و هنری به این بخش بوده است. در این راستا موضوع اصناف و مؤسسات فرهنگی و تقویت و استقلال آن‌ها از دولت مدنظر بوده است، چنان‌که در ابتدای این دوره خانه سینما پس از دو سال تعطیلی بازگشایی شد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای خط‌مشی‌های اتخاذشده حوزه اقتصاد سینما در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۶، آشکار است که در هر دوره با توجه به شرایط جامعه و کشور و نیز گفتمان حاکم بر دولت، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های متفاوتی در پیش گرفته شده و اولویت‌های مسئولان تغییر کرده است. تفاوت در خط‌مشی‌ها نه تنها با تغییر در دولت‌ها، که با تغییر وزیران و در نتیجه تغییر در بدنه مدیریت سازمان سینمایی خود را نمایان می‌سازد. در عمل می‌توان گفت که به دلیل تغییرات بسیار زیاد در افراد و در نتیجه تغییر در نگاه‌ها و خط‌مشی‌ها و اولویت‌ها، رویکردها و نگاه‌های مختلف نتوانسته‌اند به نتیجه برسند. در هر دوره، هر جریان جدیدی با در اختیار گرفتن امور، سعی داشته با نفی دیگری، طرحی نو دراندازد. اولویت‌های هر دوره را بدون در نظر گرفتن تغییر هر وزیر و به تبع آن، مسئولان سینمایی آن دوره، را می‌توان چنین برشمرد:

جدول ۴. سه اولویت نخست خط‌مشی‌گذاری اقتصاد سینما در دوره‌های مورد بررسی

| ردیف | دولت جنگ (۶۸-۱۳۶۱) | دولت سازندگی (۷۶-۱۳۶۸) | دولت اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶) | دولت عدالت (۹۲-۱۳۸۴) | دولت تدبیر و امید (۹۶-۱۳۹۲) |
|------|--|---|--|--|--|
| ۱ | نظارت دولتی بر تولید، توزیع و محتوای آثار سینمایی | نظارت و مشارکت دولت در تولید، توزیع و عرضه و نیز ورود آثار سینمایی و فرهنگی | توسعه مراکز فرهنگی و سینمایی در کشور | مشارکت دولتی (نظارت بر امور فرهنگی و سینمایی و تعیین و تخصیص اعتبارات برای سینمای ملی) | تسهیل تولید با تسهیل در فضای قانونی و پرهیز از اعمال سلیقه در جهت ایجاد نشاط اجتماعی در کشور |
| ۲ | تولید آثار سینمایی ایرانی | توسعه سالن‌های نمایش و مراکز فرهنگی در کشور | نظارت و مشارکت دولتی بر تولید، توزیع و عرضه آثار سینمایی | توسعه فضاهای فرهنگی و سینمایی در کشور و افزایش سرانه سالن‌های سینمایی | مشارکت بخش غیردولتی به‌ویژه برای واگذاری برخی از امور از جمله اعطای مجوزها |
| ۳ | برگزاری جشنواره‌های سینمایی و حضور در عرصه بین‌الملل | مبادلات فرهنگی و سینمایی با سایر کشورهای دارای زمینه‌های فرهنگی مشترک | افزایش مصرف فرهنگی و هدایت مصرف فرهنگی جامعه | معیشت و رفاه هنرمندان و سینماگران | توجه به اصناف، نهادها و مؤسسات غیردولتی فرهنگی و تقویت آن‌ها |

به‌طور کلی دوره نخست به دلیل شرایط ویژه انقلاب و جنگ، خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در شاخص‌ها و مقوله‌های محدودتری انجام شده و بیشتر به موضوعات اساسی و بنیادی پرداخته شده است. در دوره‌های بعدی که بنیان سینمای پس از انقلاب گذاشته شد و جنگ نیز به پایان رسید، مقوله‌ها و موضوعات با تنوع بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گرفته است. در خصوص اولویت‌های هر دوره که براساس فراوانی شاخص‌ها و مقوله‌ها در هر دوره تعیین شده (براساس جدول شماره ۴) و عملکرد آن دوره براساس آمار و ارقام رسمی موارد زیر ارایه شده است:

در سه دولت جنگ، سازندگی و عدالت اولویت نخست و بیشترین تأکید خط‌مشی‌گذاری بر مشارکت و نظارت دولتی در توزیع، تولید و محتوای آثار فرهنگی و سینمایی بوده است. حال آنکه هر یک نگاه و رویکرد خاص خود را نیز داشته‌اند، به این صورت که در دولت جنگ به دلیل احیا و بازسازی، پالایش سینما بنابر معیارهای پس از انقلاب مدنظر بوده است، چنان‌که برخی عنوان «سینمای گلخانه‌ای» را برای این دوره مطرح کرده‌اند، اما به دلیل شرایط خاص اجتماعی و سیاسی آن دوره میان دولت و هنرمندان همراهی نسبی وجود داشت. در دولت سازندگی به‌ویژه از سال ۱۳۷۲ به بعد نظارت سخت‌گیرانه بر تولید و اکران فیلم‌های سینمایی و ایجاد فضا و امکان برای دخالت سایر نهادها و مراجع در سینما در دستور کار قرار گرفته است. در دولت عدالت با مطرح شدن سینمای ملی، نظارت بر محتوا و تولید و اکران آثار سینمایی مطابق با معیارهای سخت‌گیرانه انجام شده است که به‌غیر از دوره جنگ، در دو دوره بعدی نارضایتی هنرمندان و سینماگران را در پی داشت. در دوره اصلاحات نظارت دولتی بر آثار به‌لحاظ تولید، توزیع و محتوایی در رتبه دوم اولویت قرار داشت، در واقع تأکید این دوره بر اعطای فضای باز به هنرمندان و سینماگران بود و نظارت بر محتوا و تولید و توزیع در راستای افزایش مصرف فرهنگی جامعه و ارتقای سلیقه و ذائقه آن‌ها برای گرایش نداشتن به محصولات و آثار غیرمجاز و خارجی بود. در اولویت‌های دولت تدبیر و امید، تسهیل تولید آثار و اعطای مجوزها در فضای شفاف قانونی و پرهیز از اعمال سلیقه فردی یا جناحی مدنظر است. در نتیجه در دو دوره اصلاحات و دولت یازدهم رضایت سینماگران و هنرمندان از فضای حاکم و افزایش تعداد مجوزهای تولید و اکران حاصل شده است. علاوه بر این، از جمله اقدامات دولت یازدهم، تشکیل کارگروه بررسی فیلم‌های توقیف‌شده در دوره‌های گذشته بود. به‌طور کلی تأکید دولت یازدهم بر حمایت از انجمن‌ها و اصناف غیردولتی و واگذاری بخشی از امور از جمله اعطای مجوزها به اصناف بوده است.

توسعه فضاهای فرهنگی و افزایش سرانه سالن‌های سینمایی در سه اولویت نخست دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت بوده است. براساس آمار ارایه‌شده از سوی معاونت فناوری و سینمایی (۱۳۹۵ و

۱۳۹۶) تعداد پرده‌های سینما از ۲۷۳ پرده در سال ۱۳۶۸ به ۲۹۵ پرده در سال ۱۳۷۶ و در انتهای دولت عدالت به ۲۶۲ پرده رسیده است. در هر سه دوره روند افزایشی تعداد پرده‌ها مشاهده می‌شود، به جز سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ که روند کاهشی داشته است. افزایش تعداد پرده‌های سینمایی در نیمه دوم دهه هشتاد نیز تحت تأثیر ساخت سالن‌های سینما در فرهنگسراها و مراکز فرهنگی توسط شهرداری در شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران بوده است.

تولید آثار سینمایی ایرانی و برگزاری جشنواره‌های سینمایی و حضور ایران در عرصه‌های سینمایی بین‌المللی به دلیل شرایط ویژه سال‌های نخست انقلاب و تاحدی توقف تولید آثار و فعالیت‌های سینمایی، در دولت جنگ در اولویت قرار گرفت. چنان‌که در همان سال ۱۳۶۱ نخستین دوره جشنواره فجر برگزار شد و روند برگزاری جشنواره‌ها در سال‌های پس‌از آن رو به رشد بوده است. تعداد حضور فیلم‌های سینمایی ایرانی جشنواره‌ها و عرصه‌های بین‌المللی و نیز تولید فیلم سینمایی ایرانی از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸ به بیش از ده برابر رسید. از نکات قابل ذکر هر دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در دوره نخست مورد بررسی (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸) رونق فروش و تعداد مخاطب سینما نسبت به دوره‌های پس‌از آن در وضعیت قابل توجهی بوده است. البته باید در نظر داشت که در این سال‌ها مردم از نظر تنوع سرگرمی و تفریح انتخاب گسترده‌ای نداشتند. در دولت سازندگی به‌ویژه در سال‌های پایانی علاوه بر سخت‌گیری شدید بر اعطای مجوز تولید و اکران، تأکید بسیاری بر ساخت فیلم‌های دفاع مقدس بوده است، چنان‌که بیشترین میزان فیلم سینمایی دفاع مقدس در این دوره تولید شد. در دوره اصلاحات شاخص‌های ارزیابی عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصویب و تعیین شد که به نوعی به شاخص‌های توسعه فرهنگی و اقتصادی سینما در آن پرداخته شده است. هم‌چنین می‌توان به تصویب شاخص‌های فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این دوره اشاره کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که به مقوله یا هدف توسعه و اقتصاد فرهنگ نسبت به دوره‌های پیشین توجه جدی‌تری شده است. از اقدامات مهم دولت عدالت، تشکیل شورای عالی سینما بود که ریاست آن برعهده رییس‌جمهور، گذاشته شد. براساس مستندات موجود، آیین‌نامه شورای یادشده تصویب شده و سه جلسه هم تشکیل شد که مصوبات جلسه سوم این شورا عمده خط‌مشی‌های اتخاذشده در این دولت را تشکیل می‌دهد. از نکته‌های قابل توجه در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت یازدهم می‌توان به تأکید بر مقوله افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه و بهره‌مندی از هنر، فرهنگ و سینما در جهت افزایش نشاط و شادی اجتماعی اشاره کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Policymaking
2. Cultural economics
3. Jordi McKenzie
4. W.D. Walls & Jordi McKenzie
5. Incekara et al.
6. Haykir Hobikohlo & Cetinkaya
7. Chisholm, Fernandez-Blanco, Rvid & Walls
8. Parce
9. John Hill & Nobuko Kawashima
10. Cultural policymaking
11. Cultural politics

۱۲. نگاه ساختارگرایانه به سیاست، که سیاست را در وسیع‌ترین مفهوم ممکن به‌مثابه ستیز و دگرگونی هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی درک می‌کند و حکایت از تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی سیاسی دارد.
13. Politics of culture
۱۴. ناظر به ابعاد سیاسی و نتایج رفتارها و شکل‌های مختلف فرهنگی، از جمله تبلیغات، سینمای عامه‌پسند و نیز قدرت اجتماعی فرهنگ است.
15. John Kenneth Galbraith & Lionel Robbins
16. Baumol & Bowen
17. Symbolic value
18. https://en.unesco.org/creativity/sites/creativity/files/cultural_times_the_first_global_map_of_cultural_and_creative_industries.pdf
19. Content analysis

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری (۱۳۸۹)، «ارایه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی»، فصلنامه *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۲، شماره (۲۰)، پاییز صفحه‌های ۷۶-۴۷.
- آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، بر اساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، فصلنامه *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال اول، شماره سوم، تابستان: ۳۷-۷.
- ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۵)، «فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران»، فصلنامه *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال دوم، شماره پنجم، بهار و تابستان: ۲۳۵-۲۱۳.
- بزرگی، حوریه (۱۳۹۳)، «بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی ایران در شبکه پخش نمایش خانگی»، فصلنامه *دین و سیاست فرهنگی*، شماره اول، تابستان: ۱۴۲-۱۱۷.
- تراسی، دیوید (۱۳۹۳)، *اقتصاد سیاست فرهنگی*، ترجمه سوسن علائی، تهران: سوره مهر.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱)، *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر (ماتریس فرهنگی شهر تهران)*، تهران: تیسرا.
- دانش‌فرد، کرم‌اله (۱۳۹۵)، *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات صفار.
- دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۲)، *سالنامه آماری فرهنگ و هنر سال ۱۳۹۰*، تهران: آویشن شمال.
- راودراد، اعظم و امیرحسین تمنایی (۱۳۹۲)، «تحلیل رابطه سیاست‌های فرهنگی-سینمایی ایران با فیلم‌های معرفی‌شده به‌عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، دوره ششم، شماره (۱)، بهار: ۱۰۳-۸۱.
- رحیمی، عبدالرحیم، میثم موسایی، کامییز پیکارجو، ناصر آزاد و سید محسن سید علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «برآورد تابع تقاضای سینما و تحلیل عوامل مؤثر بر آن مطالعه موردی: شهر تهران»، *نشریه مطالعات فرهنگ ارتباطات*، زمستان، دوره ۱۲، شماره (۱۶)، (۴۸): ۲۶۳-۲۳۵.
- عبدالخانی، لنا و محمد نصرآبادی (۱۳۹۰)، «بازنمایی نقش زنان در سینمای ایران (سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سینمای قبل و پس از انقلاب اسلامی)»، فصلنامه *علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال (۳)، شماره دهم، زمستان: ۹۶-۸۷.
- غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۵)، *گزارش صنعت سینمای ایران*، تهران: معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی
- گنجی، محمد و امین حیدریان (۱۳۹۳)، «سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسی)»، فصلنامه *راهبرد*، سال بیست‌وسوم، شماره (۷۲)، پاییز: ۹۷-۷۷.
- معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی (۱۳۹۵)، *سالنامه آماری سینمای ایران در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۶*، سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: <https://apf.farhang.gov.ir/fa/deputy/appliedresearch/subappliedresearch/calenderofcinema>
- موسائی، میثم (۱۳۹۳)، *خلاصه راهبردی کتاب اقتصاد فرهنگ؛ بررسی اقتصادی بخش‌های مختلف فرهنگی*، پرونده درآمدی بر اقتصاد فرهنگ، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه هنری: <http://rahbordi.ir/wp-content/uploads/2014/09/.pdf>

- مؤمنی‌راد، اکبر، خدیجه علی‌آبادی، هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲)، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه *اندازه‌گیری تربیتی*، شماره (۱۴)، سال چهارم، زمستان صص ۲۲۲ - ۱۸۸: http://jem.atu.ac.ir/article_92_e37bc2d6290e7d4fa8e35b5c13f806d6.pdf
- نجفی سیاهرودی و سید مسلم علوی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر در رویگردانی از سینما با تحلیلی بر خوشه‌بندی‌های مختلف مخاطبان»، نشریه *هنرهای زیبا - هنرهای نمایشی و موسیقی*، دوره ۱۹، شماره (۱)، بهار و تابستان: ۶۹-۵۹
- Agnete Sand, Stine (2017), How to Succeed with Film Production in the Regions? A Study of Key Success Factors in the Norwegian Regional Film Business, *The Journal of University of Gothenburg, Nordicom*, vol. 38, Issue 1 at <https://doi.org/10.1515/nor-2016-0035>
- Bakhshi, Hasan & Stuart Cunningham (2016), *Cultural Policy in the Time of the Creative Industries*, Nesta, available at: http://earights.org/wp-content/uploads/2016/10/cultural_policy_in_the_time_of_the_creative_industries_.pdf
- Chisholm, Darlene C., Victor Fernandez-Blanco, S.Abraham Ravid & W.David Walls (2015), Economics of motion pictures: the state of the art, *Journal of Cultural Economics*, Volume 39, Issue 1, pp 1-13 at <https://link.springer.com/article/10.1007/s10824-014-9234-1>
- Einarsson, Agust (2016), *Cultural economics*. Iceland: Bifrost University.
- Incekara, Ahmet, Sefer Sener & Elif Haykir Hobikoglu (2013), "Economic evaluation of the film industry in terms of strategic management within the scope of the creative innovative industries: The case of Turkey", *9th International Strategic Management Conference*, Procedia - Social and Behavioral Sciences 99: 636 - 647, available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042813039797>
- Haykir Hobikohlo, Elif & Mustafa Cetinkaya (2015), "In Innovative Entertainment Economy Framework, Economic Impacts of Culture Industries: Turkey and Hollywood Samples", *World Conference on Technology, Innovation and Entrepreneurship*, Procedia - Social and Behavioral Sciences 195: 1435 - 1442, available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042815039191>
- Hill, John & Nobuko Kawashima (2016), Introduction: film policy in a globalized economy, *International Journal of Cultural Policy*, Vol.22, No. 5, pp: 667-672, at: <http://dx.doi.org/10.1080/10286632.2016.1223649>
- Parce, Jimmyn (2016), "The effects of protection in cultural industries: the case of the Korean film policies", *International Journal of Cultural Policy*, available at: <http://dx.doi.org/10.1080/10286632.2015.1116526>
- McKenzi, Jordi (2012), the economics of movie: a literature survey, *the journal of economic surveys*, vol.26, Issue 1, February: 42- 70, at <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1467-6419.2010.00626.x/abstract>
- Shenton, A.K. (2004), strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects, *education for information*, (22): 63-75.
- UNESCO (2015), *Cultural times; the first global map of cultural and creative industries*: https://en.unesco.org/creativity/sites/creativity/files/cultural_times_the_first_global_map_of_cultural_and_creative_industries.pdf
- UNESCO (2013), *Creative Economy Report 2013; Widening Local Development Pathways*, from www.unesco.org/culture/pdf/creative-economy-report-2013.pdf

- Walls, W.D & Jordi McKenzie (2012), The Changing Role of Hollywood in the Global Movie Market, *Journal of Media Economics*, 25: 198–219, at: file:///C:/Users/f.sarbandi/Desktop/WallsMcKenzieJME2012.pdf
- Zhang, Y. & Wildemuth, B.M. (2009), qualitative analysis of content, in questions in information and library science (pp.308–319). Westport, CT: Libraries Unlimited

Received: 2018/11/14
Accepted: 2019/01/12

Content Analysis of Cinema Economic Policies after the Islamic Revolution States in Iran and Assessing Their Preferences and Performance Results

Farnaz Sarbandi, PhD in cultural management & planning, IAU, Science & Research branch

Ebrahim Hajiani, Associate Prof. and faculty member of Ministry of Science, Research and Technology

Seyed Reza Salehi Amiri, associate prof., Islamic Azad University, Science & Research branch, Tehran, Iran

Meysam Mousaeei, Prof., Tehran University

Abstract

This article's goal is analysis of economic issues about cinema in after the Islamic revolution era and description of policymakers' attention to cultural economics in this area in order to states preferences and performances. Applied methods are content analysis and second data analysis. Data are consisted of documents, regulations and rules and states and ministries of culture's programs, and also interview with experts. None-arbitrary sampling is used for written policies and snowball sampling is used for interviews. Finally, after content analysis of samples, second data analysis is used for this study. The results show that in all studying periods cinema economics policies and preferences are changing in order of policymakers changing even in a state. In all states except the eleventh state, governmental regulation and participation is in the first three preferences of the states. The goals and preferences such as cinema screens developments in spite of policymakers' attention have not been successful. Production of Iranian films and increase of foreign films exhibition is one of the all states goals (sometimes unwritten) which successfully is done. On the other hand, policies like facilitation of production and exhibition permit in other states are missed.

Keywords: Policymaking, Cultural Economics, Cinema economics, Cultural Policymaking and Cultural Industries